



امام منتظر، خود منتظر است / تفاوت مهدویت شخصیبه و مهدویت نوعیه

مهدویت شخصیبه که شیعه به آن اعتقاد دارد به این معنی است که مهدی لقب است برای یک فرد خاص که به دنیا آمده است و الان در زمان غیبت به سر می برد. در مقابل، اهل سنت قائل به مهدویت نوعیه هستند.

مهدویت شخصیبه که شیعه به آن اعتقاد دارد به این معنی است که مهدی لقب است برای یک فرد خاص که به دنیا آمده است و الان در زمان غیبت به سر می برد. در مقابل، اهل سنت قائل به مهدویت نوعیه هستند.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر جلسه چهل و هشتم از سلسله مباحث مهدویت است که توسط حجت الاسلام سیدمحمدباقر علوی تهرانی ایراد شده است.

در دوره غیبت کبری مسئله ای مطرح است و آن مسئله امروز ماست. موضوع مهدویت شخصیبه یا مهدویت نوعیه است.

این بحث از کجا شروع شده است؟ یکی از القاب مشهور امام عصر، مهدی است. یکی از معانی ای که در مورد مهدی در لغت و در روایت نسبت به ساحت مقدس امام، بیان شده به معنای اسم مفعول وارد شده که به معنی هدایت شده و راه یافته است.

امام صادق بر این مبنا می فرمایند «قَانِمَا سَمَّیَ الْمَهْدِیَّ لِأَنَّهُ یُهْدَى بِأَمْرِ حَقِّی» یعنی علت نام گذاری او (امام دوازدهم) به مهدی، این است که خدا او را به امور مخفی هدایت کرده است. یعنی هیچ مسئله ای در نظام خلقت از امام عصر پنهان و مخفی نیست. این روایت تاییدی است بر اینکه معنای اسم مهدی برای امام به معنی اسم مفعولی است.

اما از طرفی مهدی به عنوان اسم فاعل به معنای هدایت کننده هم وارد شده است و بر این اساس هم ما روایاتی درباره تفسیر مهدی داریم.

از امام صادق نقل شده «اِذَا قَامَ الْقَائِمُ دَعَا النَّاسَ إِلَى الْإِسْلَامِ جَدِیداً وَ هَدَاهُمْ إِلَى أَمْرِ قَدْ دُثِرَ فَضْلُ عَنهُ الْجُمْهُورُ، وَ أَمَّا سَمِی الْقَائِمُ مَهْدِیاً لِأَنَّهُ یُهْدَى إِلَى أَمْرِ مَضْلُوعٍ عَنهُ، وَ سَمِی الْقَائِمُ لِقِیَامِهِ بِالْحَقِّ» یعنی چون قائم علیه السلام بیا خیزد، مردم را مجدداً به سوی اسلام فرا می خواند و آنان را به امری هدایت می کند که از میان رفته و اکثریت مردم از آن منحرف شده اند. قائم علیه السلام از این رو مهدی نامیده شده که به امری هدایت می کند که مردم از آن انحراف پیدا کرده اند. و قائم نامیده شد، چون قیام به حق می کند.

لذا ما به واسطه دوران غیبت دچار بدعت هایی می شویم که تبدیل به اعتقادات ما می شود. لذا به همین دلیل به همه ما توصیه می کنند که دین خود را از کارشناسان بگیرید و دوم اینکه دین خود را به کارشناس عرضه کنید.

همچنین امام باقر می فرمایند «أَمَّا سَمَّی الْمَهْدِیَّ لِأَنَّهُ یُهْدَى لِأَمْرِ حَقِّی، یُهْدَى لِمَا فِی صُدُورِ النَّاسِ» یعنی به آنچه در دل مردم پنهان شده است هدایت می کند. یعنی به فطرت آنها.

پس این دو روایت هم به هدایت کنندگی و اسم فاعلی برای مهدی اشاره دارد.

این لقب مهدی، در تمام معصومین به عنوان یک لقب عامی است که نسبت به همه معصومین می توانیم از آن استفاده کنید.

امام رضا از سیدالشهدا در کتاب عیون اخبار الرضا نقل می کنند «مِنَّا إِثْنَا عَشَرَ مَهْدِیًّا أَوْلَهُمْ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیُّ بْنُ أُبَی طَالِبٍ وَ آخِرُهُمُ التَّاسِعُ مِنْ وَوَلَدِی» لذا مهدی لقب عامی است که به همه معصومین می تواند اطلاق بشود.

نکته ای که وجود دارد این است که مهدی هم اسم مفعولی را شامل می شود و هم مفهوم فاعلی دارد.

بحثی که بر اساس این لقب، مبنای اختلاف بین دیدگاه شیعه و غیرشیعه است این است که حال که مهدی چنین مفهومی دارد، آیا ما در مباحث مهدویت، قائل به مهدیت شخصیبه هستیم به این معنا که مهدی لقب یک شخص خاص با

آن ویژگی هاست و یا نه؛ کسی خواهد آمد که هدایت شده یا هدایت کننده است که به آن مهدویت نوعیه می گویند.

مهدویت شخصیه که شیعه به آن اعتقاد دارد به این معنی است که مهدی لقب است برای یک فرد خاص که به دنیا آمده است و الان در زمان غیبت به سر می برد و منتظر ظهور است و خروج خواهد کرد و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد. این اعتقاد شیعه است. سال ۲۵۵ این ولادت تحقق پیدا کرده و الان دوره غیبت ایشان است.

در مقابل، اهل سنت قائل به مهدویت نوعیه هستند به این معنی که اعتقاد به منجی آخرالزمان دارند. به اینکه یک روز کسی خواهد آمد و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، اعتقاد دارند. اما به اینکه این چه شخصی است و اینکه این شخص به دنیا آمده است، اعتقاد ندارند و می گویند او خواهد آمد. لذا بحث ظهور ندارد بلکه خروج می کند و زمین را پر از عدل و داد می کند.

همین انکار بحث غیبت، عصمت آن فرد را زیر سوال می برد. چراکه بحث ما توالی امامت است. امام یازدهم ما از دنیا رفته است و اگر فرزندی نداشته باشد، دیگر عصمت ادامه نمی یابد. لذا این مسئله بحث امامت را زیر سوال می برد. لذا ما مهدویت نوعیه را قبول نمی کنیم.

تفسیر دیگری برای مهدویت نوعیه وجود دارد که برخی از صوفیه بر این باور هستند که می گویند اینجور نیست که در آخرالزمان کسی بیاید بلکه در هر دوره ای یک مهدی وجود دارد و مهم نیست از نسل چه کسی باشد. محمد بلخی در مثنوی همین حرف را مطرح می کند. پس به هر دوری ولی ای قائم است / تا قیامت آزمایش دائم است / پس امام حی قائم آن ولی است / خواه از نسل عمر خواه از علی است / مهدی و هادی وی است ای راه جو / هم نهان و هم نشسته پیش او. این عقیده صوفیه است که در هر دوره ای یک مهدی وجود دارد که این دیدگاه غلط است و امامان ما از ازل عهدشان گرفته شده است و امامان از ابتدای رسالت پیامبر اسلام به جهان اسلام معرفی شده اند و بر اساس امامت در ذیل رسالت، بیعت گرفته شده است.

ما نه اعتقاد صوفیه را در مهدویت نوعیه داریم و نه اعتقاد اهل سنت را. بلکه عرض ما در مسئله امام عصر این است که مهدی، گرچه قابل انطباق بر همه دوازده امام هست، اما لقب خاص پسر امام حسن عسکری (ع) است.

متنی از شهید محمدباقر صدر در کتاب «جستجو و گفتار پیرامون حضرت مهدی» آمده است که در مورد مهدویت شخصیه است. ایشان می نویسند «موضوع مهدی نه اندیشه چشم به راه نشستن کسی است که باید زاده شود و نه یک پیش گویی است که باید در انتظار مصداق ماند بلکه واقعیتی استوار و فردی مشخص است که خود نیز در انتظار رسیدن هنگام فعالیتش به سر می برد. یعنی امام منتظر خود منتظر است. در میان ما با گوشت و خون خویش زندگی می کند. ما را می بیند و ما نیز او را می بینیم. در فضای دردها، رنج ها و آرزوهای ماست و در اندوه و شادی ما شریک است. شکنجه های آزردها و تیره روزی ناکامان زمین و بیداد ستمگران را از دور یا نزدیک می بیند و به انتظار لحظه ای است که فرا رسد و دست پرتوان خویش را به سوی همه رنج کشیدگان، محرومان و سیه روزان دراز کند و طومار ستمگران را بریده و در هم پیچد. البته سرنوشت این رهبر موعود این است که خود را آشکار نسازد و همراه با دیگران لحظه موعود را انتظار کشد.»

اما ادله ما در رد مهدویت نوعیه چیست؟

یکی از ادله ما در مخالفت با مهدویت نوعیه را، مرحوم آیت الله سیدرضا صدر، برادر امام موسی صدر بیان کرده است. ایشان در کتاب «راه مهدی» این عبارت را بیان می کنند «آموزه مهدی نوعی، با اسلام منافات دارد؛ چون روایات متواتری وارد شده که آن منجی موعود، شخصی معین و زنده است. از طرفی این امر مستلزم آن است که سال ها زمین، خالی از حجت باشد و این هم بر خلاف اصول و مبانی اسلام است. با این حال، مدعیان مهدویت، همگی از میان مسلمانان برخاسته اند؛ کسانی که از اصول و مبانی اسلام خبر نداشته اند و یا حقیقت را به مسلمانان نگفته بودند.»

روایت متواتر داریم که زمین از حجت خالی نخواهد بود. برخی از مبانی ما که بر مسئله امامت اشاره دارد هم ردیه ای بر این نظر مهدی نوعی است.

ما در سلسله مباحثی که داشتیم در مورد نسب مادری امام صحبت کردیم. سرگذشت این بانو و سرنوشت ایشان را طبق اسناد معتبر بیان کردیم. چطور می شود که موعود در آینده متولد شود؟

خود اهل سنت روایات متعددی را نقل کرده اند که دال بر این است که آنها ولادت پسر امام حسن عسکری که وصی دوازدهم پیامبر است را قبول دارند. این را در کتاب های خود ذکر کرده اند.

از ابتدای امر مسئله جانشینان پیامبر مطرح بوده است؛ یکی از آنها منبع غدیر است منتهی برخی آن را تقطیع می کنند.

روایات صادره از پیامبر اسلام مهدی را معرفی می کند. یکی اینکه از فرزندان عبدالمطلب است، این روایت را انس ابن مالک، سنن ابن ماجه نقل کرده اند. می فرماید «تَحْنُ وَوَلَدَ عَبْدَ الْمُطَّلِبِ، سَادَةَ أَهْلِ الْجَنَّةِ، أَتَا، وَحَمَزَةً، وَعَلِيٌّ، وَجَعْفَرٌ، وَالْحَسَنُ، وَالْحُسَيْنُ، وَالْمَهْدِيُّ» ما فرزندان عبدالمطلب سادات اهل بهشت هستیم … پیامبر در اینجا اسم حضرت مهدی را نیز ذکر می کند.

تیپ دیگری از روایات مهدی را از نسل پیامبر می خواند. یک روایت با عبارت عترت پیامبر آمده است. می فرماید ابوسعید خدری از پیامبر بر فراز منبر (برای عموم مردم) نقل کرده «ان المهدی (علیه السلام) من عترتی، من اهل بیتی، یخرج فی آخر الزمان تنزل له السماء قطرها و تخرج له الأرض بذرها، فیملا الأرض عدلاً و قسطاً كما ملأها القوم ظلماً و جوراً» یعنی مهدی (علیه السلام) از عترت و اهل بیت من است، در آخر الزمان ظاهر می شود، آسمان باران رحمتش را فرو می ریزد و زمین گیاه خود را بیرون می فرستد. زمین را پر از عدل و داد کند، چنانکه مردم آن را از جور و ستم پر کرده اند.

در جای دیگر پیامبر از مهدی به عنوان «اهل بیت من» یاد می کند. عبدالله ابن مسعود نقل می کند پیامبر فرمود «لا تذهب الدنيا حتی یلی امتی رجل من اهل بیتی یقال له المهدی» یعنی دنیا فانی نخواهد شد تا اینکه مردی از اهل بیت من که به وی مهدی گویند، بر امت من حکومت کند.

عبارت دیگر داریم که از امام به عنوان ذریه پیامبر یاد شده است. کتاب امالی صدوق از پیامبر نقل می کند «و من ذریتی المهدی إذا خرج نزل عیسی ابن مریم لنصرته فقدمه و صلی خلفه» یعنی و مهدی از ذریه من است که هرگاه ظهور کند، عیسی بن مریم برای یاری او حاضر شده و در پی او نماز خواهد گزارد.

در عبارت دیگری از حضرت مهدی به عنوان «از فرزندان پیامبر» تعبیر شده است. عبدالله ابن عمر نقل می کند «لو لم یبق من الدنيا إلا یوم واحد، لطول الله ذلک الیوم، حتی یخرج رجل من ولدی، فیملأها عدلاً و قسطاً، كما ملئت جوراً و ظلماً».

لذا از زبان پیامبر عبارت هایی در مورد حضرت مهدی مبنی بر «فرزند پیامبر»، «ذریه پیامبر»، «عترت پیامبر»، «اهل بیت پیامبر» آمده است. آن یک نفری که خواهد آمد و مشخص است چه کسی است.

موعود آخر الزمان و مصلح جهانی از سلسله مباحث مورد اتفاق بین اصناف بشر است و همه قبول دارند ولی پیامبر فرمودند آن فرد از خاندان من است.

طایفه دوم از روایات بیان می کند که مهدی، فردی از فرزندان حضرت امیرالمومنین (ع) است و طایفه سوم بیان می کند که مهدی فردی از فرزندان حضرت زهرا (س) است.

پیامبر فرمود «قَعِنَدَ ذَٰلِكَ خُرُوجُ الْمَهْدِيِّ وَ هُوَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ هَدَا وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) يَهِي بِمُحَقِّ اللّٰهُ الْكُذِبَ وَ يَذْهَبُ الرِّمَانَ الْكَلْبَ يَهِي بِخُرُجِ ذَٰلِكَ الرَّقِّ مِنْ أَعْنَاقِكُمْ» یعنی هدی، مردی از فرزندان این است و با دست مبارک خود به علی (علیه السلام) اشاره فرمود خداوند به وسیله او، دروغ را محو می کند و سختی روزگار را بر طرف می گرداند و طوف بندگان را از گردن های شما بیرون می آورد.

در روایت دیگر ام سلمه می گوید که از پیامبر شنیدم «الْمَهْدِيُّ مِنْ عِثْرَتِي مِنْ وُلْدِ قَاطِمَةَ» یعنی مهدی از خاندان من از فرزندان فاطمه (س) است.